



تئاتر حافظه

سایمون کریچلری

ترجمه قاسم نجاری

نئانر حافظه



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: کریچلی، سایمون، ۱۹۶۰ م. Critchley, Simon
عنوان و نام پدیدآور: تئاتر حافظه/سایمون کریچلی/ترجمه ابوالقاسم نجاری
مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۹۴۸-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: Memory theater, 2015. عنوان اصلی:

موضوع: داستان‌های آمریکایی— قرن ۲۱ م./فلسفه— داستان/شناخت (فلسفه)— داستان
شناسه افزوده: نجاری، ابوالقاسم، ۱۳۷۴- مترجم

رده‌بندی کنگره: PS۳۶۱۹

رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۶

شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۵۵۸۱۷



■ تئاتر حافظه

سایمون کریچلی ترجمه قاسم نجاری

آماده‌سازی و تولید: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

طراحی گرافیک: پرویز بیانی چاپ و صحافی: بوستان کتاب

نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۳، ۵۵۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

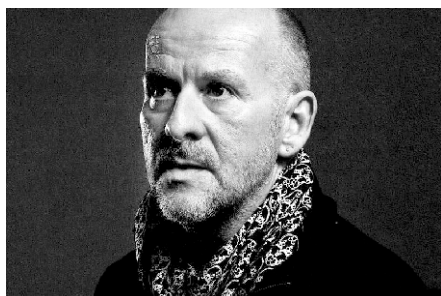
بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،

طبقه سوم، تلفن، ۰۵۶۴۷۷۴۰۵

@ketabeparseh





سایمون کریچلی (۱۹۶۰-انگلستان)

این فیلسوف انگلیسی صاحب کرسی هانس یوناس در مطالعات فلسفه در دانشگاه نیو اسکول نیویورک است. کریچلی در فرم‌های مختلفی فلسفه‌ورزی می‌کند و کتاب‌هایش نوشته‌هایی تجربه‌ای‌اند دربارهٔ شکسپیر، دیوید بویی، خودکشی، تراژدی یونانی و فوتبال. از دیگر آثار او:

خیلی کم تقریباً هیچ، وقتی از فوتبال حرف می‌زنیم از چه حرف می‌زنیم،
کتاب فیلسوفان مرده و جستارهای کوتاه او با نام طاس

تئاتر حافظه: شروع بازی یادداشت مترجم

۱

اگر دارید این متن را می‌خوانید، به این معناست که می‌خواهید وارد یک بازی شوید. (می‌توانید به دلِ این بازی کوتاه بزنید و بعد سراغ این یادداشت بیایید؛ می‌توانید هم این یادداشت را مقدمه‌ای برای گم‌نشدن در بازی بدانید؛ انتخاب با شماست.) این بازی را سایمون کریچلی، نویسندهٔ این کتاب آغاز کرده و تا آخرین نفری که کلمه‌های او را به هر زبانی در جهان بخوانند، ادامه پیدا می‌کند. او یک نسخهٔ داستانی از خودش ساخته و آن نسخهٔ داستانی را وارد یک تئاترِ پر جزئیات می‌کند و هر لحظه ما را به حدس و گمان وامی‌دارد که آیا چیزی که دارم می‌خوانم جدی است یا شوخی؟ درست شبیه بازی‌های بورخس در هزارتوهای پیچ‌در‌پیچ‌اش و یا بازی‌های سرگیجه‌آور او مبر تو آکو در روایت‌های شبه‌تاریخی‌اش. اینجا هم ماجرا از همین قرار است: چیزی که قرار است

بخوانید، همان قدر که جدی است، شوخی هم هست. همچون یک بازی.

۲

تئاتر حافظه را می‌شود به‌عنوان کتابی خواند که دربارهٔ کتاب‌های دیگر است. انگار بازی کریچلی در یک کتابخانهٔ بزرگ اتفاق می‌افتد و ما را از این قفسه به آن قفسه به دنبال کتاب‌هایی می‌برد که بعضی‌هایشان را همه‌مان می‌شناسیم و بعضی‌هایشان را هم فقط شش نفر در جهان خوانده‌اند؛ بعضی‌هایشان هم اصلاً وجود خارجی ندارند. این گشت و گذار در میان کتاب‌ها، اصلاً کار سنگینی نیست. بلکه یک جور از این شاخه به آن شاخه پریدنِ سرخوشانه است. هر کدام از ارجاعاتی که کریچلی می‌دهد، نوری گذرا روی گوشه‌ای تاریک از تاریخ تفکر می‌اندازد. اشارات کریچلی به کتاب هنر حافظه نوشتهٔ فرانسس بیتس،^۱ اشاره‌ای به تاریخ عریض و طویلِ پرورش حافظه به‌عنوان نگه‌دارندهٔ اساسی دانش است. تاریخی که حداقل از یونان باستان شروع می‌شود و تا دوران فراگیر شدن صنعت چاپ، با قدرت ادامه پیدا می‌کند و ناگهان محو می‌شود. از این نظر، کتاب کریچلی، فرزند کتاب بیتس است؛ کتابی که سعی می‌کند ایدهٔ بیتس مبتنی بر از بین رفتن هنر حافظه پس از اختراع

۱. نویسنده در متن به اندازهٔ کافی به موضوع کتاب بیتس می‌پردازد. اگر علاقه‌مند به این موضوع بودید می‌توانید در منبع اصلی آن را دنبال کنید:

Yates, Frances. A, *Selected Works*, Volume: 3 *The Art of Memory*,
Routledge, 2010

چاپ را به دوران اینترنت بکشاند. اینترنت یکی از کلمه‌های کلیدی برای خوانش کتاب کریچلی است چون انگار این بار، مانه با حافظه طبیعی بشری، بلکه با حافظه‌ای مصنوعی طرفیم که قرار است تمامیت دانش بشری را در خود حفظ کند.^۱ از طرفی دیگر، ایده‌ای که در کتاب بیتس بسیار درباره آن بحث می‌شود و در این کتاب عملی می‌شود، آن ایده مبهم و رازآمیزی است که در ایتالیای رنسانس، در رساله «ایده یک تئاتر» توسط جولینو کامیلو مطرح می‌شود: یک ساختمان که از طریق آن می‌توان به درون ذهن انسان نگاه کرد؛ ایده‌ای که در صدد بود تا زمین را به آسمان بدوزد و انسان را در مرکزی‌ترین نقطه جهان بگذارد. همان انسانی که هم عصر کامیلو، پیکو دلا میراندولا در اثر بسیار مشهورش که آن را مانیفست رنسانس خوانده‌اند، یعنی «خطابه شأن انسان» در مرکز هستی قرار می‌دهد.

این کتاب، خوانش بازگوشانه‌ای هم از فلسفه هگل و مفهوم «روح» و تاریخ در کتاب پدیدارشناسی روح به‌عنوان صحنه تئاتر حافظه دارد که به اندازه کافی در متن توضیح داده می‌شود. اما کریچلی این ایده را هم به نام خود نمی‌زند و آن را ذیل دستنوشته‌های دوست فیلسوفش ارائه می‌کند. از طرفی دیگر، همان خوانش هم اشاراتی واضح هم به مسائل هرمسی دارد که اتفاقاً هگل هم چندان با آن‌ها بیگانه نبوده است.^۲ سنت

۱. خود کریچلی هم بعد از انتشار این کتاب در مصاحبه‌ای گفته بود در واقع همه چیز در این کتاب درباره اینترنت است.

۲. درباره ارتباط هگل و سنت‌های هرمسی می‌توانید به این کتاب مراجعه کنید: ←

هرمسی و کتاب کورپوس هرمتیکوم یا هرمس نامه یکی دیگر از نقاطی است که تئاتر حافظه روی آن می‌ایستد. کریچلی فقط اشاره‌هایی گذرا می‌کند اما اگر پی همان اشارات را بگیریم به پیوندهای جذابی در رابطه با تاریخ حافظه و پیوندهایش با سنت‌های غیب‌باورانه می‌رسیم. در این راه شخصیت‌هایی مثل هگل، جوردانو برونو، جولینو کامیلو، شکسپیر و بسیاری از چهره‌های معاصر از ژاک دریدا گرفته تا ریچارد رورتی، همه بازیگرانی در بازی سرخوشانه کریچلی‌اند. شاید حجم زیادی از نام‌ها و کتاب‌هایی که لزوماً همه‌شان هم آشنا نیستند، در نظر خواننده کمی فاضل‌مآبانه به نظر برسد. اما اگر ذهن مغلوب حجم زیاد این نام‌ها نشود، بازی کریچلی برایش جذاب‌تر هم خواهد شد. حواستان باشد که هیچ‌کس همه این کتاب‌ها را نخوانده و همه این نام‌ها را نمی‌شناسد. شاید حتی خود نویسنده. (پس از اینکه داستان کریچلی تمام شد، حتماً به واژه‌نامه‌ای که او از نام‌های دشوار در انتهای کتاب تهیه کرده مراجعه کنید؛ نیمی از شوخی‌های او در آن واژه‌نامه تکمیل می‌شوند.)

۳

«تئاتر حافظه» را می‌توان به‌عنوان گفت‌وگوی کریچلی با کریچلی خواند. همیشه او را فیلسوفی نامتعارف دانسته‌اند چرا که همواره به

دنبال فرم‌های تازه‌ای برای تفکر است. او سال‌هاست که قید نوشتار فیلسوف‌مآبانۀ صرف رازده و هر بار در قالب تازه‌ای به سراغ موضوعات موردعلاقه‌اش که در صدر آن‌ها موضوع مرگ است می‌رود؛ گاهی قطعه‌نویسی می‌کند و گاهی ستون‌نویسی، گاهی پادکست منتشر می‌کند، گاهی به سراغ عشقِ همیشگی‌اش، موسیقی پانک‌راک می‌رود و حتی کار به جایی می‌رسد که انجمنی را پایه‌گذاری می‌کند به نام «انجمن بین‌المللی نکرונاتی (دریانوردان مُرده)».^۱

او در کتاب خیلی کم... تقریباً هیچ^۲ دومین کتاب منتشر شده‌اش بر «ناامیدی» هم از نوع سیاسی و هم از نوع دینی، به‌عنوان رانۀ فلسفه‌ورزی تاکید می‌کند. او می‌گوید وقتی آدم با این مواجه می‌شود که به‌قول پاسکال «ناتوان‌ترین گیاه طبیعت» و به‌شدت شکننده است، تمام تلاش‌اش را می‌کند که این واقعیت را قبول نکند. خودش معتقد است این وضعیت تراژیک در همهٔ آثاری که نوشته و وجود دارند. هر جا وجود نداشته باشند، در این رمان، به‌وضوح می‌توان این وضعیت پرتناقض را در

۱. این انجمن INS نام دارد ابتدا به‌عنوان پروژه‌ای در هنر مفهومی آغاز به کار کرد اما همان‌طور که در کتاب چگونه از زندگی دست بشویم و دلشوره آغاز کنیم (نشر شوند، ۱۳۹۶) گفته می‌شود، حالا تبدیل به سازمانی نیمه‌خیالی شده که کریچلی و همکارانش آن را پیش می‌برند. توضیحات بیشتر دربارهٔ این انجمن در کتابی که حرفش بود، از خلال گفت‌وگوی کریچلی و همکارانش وجود دارد. به توضیح خود کریچلی در انتهای همین کتاب هم رجوع کنید.

۲. او در مقدمهٔ ویراست دوم کتابش، دربارهٔ فلسفه‌اش صحبت می‌کند: کریچلی، سایمون، خیلی کم... تقریباً هیچ، ترجمهٔ لیلا کوچک‌منش، نشر نی، ۱۳۹۷، صص ۲۱-۳۸

پروتاگون‌نیست این داستان مشاهده کرد.

این رمان کوتاهی است از فیلسوفی که طرفدارِ دوآتشه لیورپول است و عاشق موسیقی دیوید بویی و بارها و بارها فیلسوف‌ها و ایده‌هایشان را دست می‌اندازد اما همان قدر جدی (و سرخوشانه) با ایده‌هایشان بازی می‌کند و آن‌ها را ورز می‌دهد. او اسم شخصیت اصلی‌اش را هم گذاشته سایمون کریچلی. این کریچلی با کریچلی نویسنده فقط مشابهت اسمی، شغلی، حرفه‌ای و... دارد. اما موجود دیگری است. انگار او پس از سال‌ها، به همان سؤالی رسیده که در مقاله‌ای که در سال ۱۹۹۸ نوشته بود، دربارهٔ بکت پرسیده بود: «در آثار ساموئل بکت چه کسی است که حرف می‌زند؟»^۱ آنجا، بخشی از رمان نام‌ناپذیر بکت را آورده بود که می‌گفت «[آنکه حرف می‌زند] من نیستم، فقط همین را می‌دانم.» حالا هم ماجرا همین است: پس این کسی که در این رمان کوتاه حرف می‌زند کیست؟

۴

چندین و چند راه دیگر هم برای خواندن این کتاب وجود دارد. مثلاً اینکه آن را به عنوان جستاری فلسفی بخوانید: شاید به عنوان جستاری دربارهٔ تاریخ فلسفه از طریق خوانش تاریخ حافظه که بر ایده‌های هگل از تاریخ مبتنی است یا شاید هم یک داستان علمی‌تخیلی با تم کارآگاهی

1. Critchley, Simon. "Who Speaks in the Work of Samuel Beckett?" Yale French Studies, no. 93, Yale University Press, 1998, pp. 114–30, <https://doi.org/10.2307/3040734>.

که در آن شخصیت اصلی فیلسوفی است که به دنبال معنای تئاتر حافظه می‌گردد؟ شاید مقاله‌ای دربارهٔ بسط ایده‌های جردانو برونو و رساندن آن به ایده آلیسم آلمانی؟ شاید جستاری دیگر در پروژهٔ مرگ‌اندیشی کریچلی؟ شاید یک جوک طولانی که فیلسوفی آن را تعریف می‌کند و گاهی می‌خنداند و گاهی نه. از طرفی دیگر می‌توان این کتاب را زندگینامهٔ کریچلی فیلسوف هم دانست. یک جور اعتراف‌نامه پر از اسامی و ایده‌های دیگر فیلسوفان. وبسایت آمازون این کتاب را علاوه بر داستان و فلسفه، جزو دستهٔ کتاب‌های طنز دسته‌بندی کرده بود. این هم ایدهٔ خوبی است. این کتاب هر چه نداشته باشد، حس طنز فوق‌العاده‌ای دارد. طنزی عمیق که بسیاری ایده‌های بزرگ و والای تاریخ بشر را در کسری از ثانیه لغو می‌کند و بعضی‌ها را هم ستایش می‌کند. فقط نباید آن را به‌عنوان یک اثر «فلسفی» خواند. این یک داستان است. فقط یک داستان. البته، یک راه دیگر هم برای خواندن این کتاب وجود دارد. می‌شود مثل هر کتاب دیگری، آن را نخواند. (نخواندن این کتاب البته کار سخت‌تری است؛ به‌ویژه با این حجم کم که عملاً بهترین گزینه برای آن ارواح سرگردان و از لحاظ اقتصادی مخربی است که گوشهٔ کتابفروشی‌های کوچک و بزرگ می‌ایستند و یک نفس یک متن را سر می‌کشند و با یک تشکر از کتابفروش خارج می‌شوند.)

قصه، به جز مرگ‌اش، همه چیز داستان است. قاعدتاً لحن نوشتار فیلسوفانه نویسنده سرجایش است اما مترجم ادعایی در زمینه ترجمه فلسفی ندارد. تا حد امکان تلاش بر این بوده که از معادل‌ها و تلفظ‌های رایج در ترجمه فلسفی فارسی استفاده شود و لحن نیمه شوخ نویسنده هم همواره حفظ شود. در بعضی از نقاط، ممکن است بنابر بازی‌های نوشتاری نویسنده، متن ترجمه چندان روان نشده باشد. بهتر است در این بخش‌ها کمی آهسته‌تر با متن همراه شد. در نهایت امیدوارم مترجم، مزاحم بازی خوانندگان و نویسنده نشده باشد.

و بالاخره، اجازه دهید بازی شروع شود.

داشتم می‌مُردم، فقط همین قطعی بود مابقی داستان است.

ترس از مرگ بیشترِ روز خفته بود و نیمه‌های شب می‌خزید و بیخِ گلویم را می‌گرفت و خواب را بر چشمانم حرام می‌کرد، مهم هم نبود که همان سرِ شب چه قدر الکل خورده بودم. بی‌خوابی یارِ غارِ اغلبِ شب‌های بزرگسالی‌ام بود، دست‌کم پس از آن حادثه. اما از وقتی جعبه‌ها و ساختمانِ تئاتر حافظه را کشف کردم، منطقی شکست‌ناپذیر بر ذهنم حاکم شده بود که بی‌خوابی را تشدید می‌کرد؛ منطقی که می‌گفت: اگر آخرش قرار است بمیرم، پس خواب چه فایده‌ای دارد؟

سپس مثانه‌ام بازی درمی‌آورد. دندان‌ها مسواک خورده و نخ کشیده، ادرار بی‌کم و کاستِ آخرشبی در دست‌شویی، خوانش بادقت چند صفحهٔ اولیس^۱ از نسخهٔ جلدپارچه‌ای و زیبای انتشارات بادلی‌هد^۲ چاپ ۱۹۶۰

۱. *Ulysses* یا یولیسیس، رمانِ جیمز جویس. - تمام پانویس‌ها از مترجم است.